

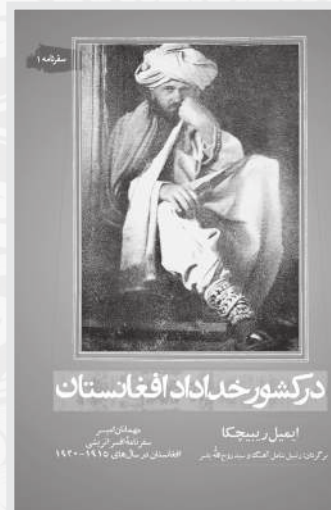
نام کتاب: من و دیار فرنگ (سفرنامه ۲)
 نویسنده: محمداسحاق فیاض
 ویراستار: قاسم الیاسی ترگانی
 صفحه‌آرایی و طرح جلد: هادی مروج
 ناشر: انتشارات بنیاد اندیشه، چاپ نخست، بهار ۱۳۹۶ خورشیدی، کابل
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 بها: ۱۲۰ افغانی
 شابک: ۹۷۸-۹۹۳۶-۶۳۵-۰۷-۴



این کتاب در واقع سلسله یادداشت‌هایی از زندگی پناهندگان و جامعه غربی است که محمداسحاق فیاض با چشمان خویش آنچه را دیده است، روایت کرده است تا مهاجرت و تأثیر آن را بر مهاجران و پناه‌جویان در دیار غرب روشن سازد. او یکی از دشواری‌های پیش‌آمده برای پناه‌جویان را تفاوت فرهنگی میان جوامع شرقی و غربی می‌داند. به‌ویژه خانواده‌هایی که از کشورهای اسلامی به دیار فرنگ پناهنده شده‌اند و آن‌هم کسانی که از سواد و دانش مناسب برخوردار نبوده‌اند، حتی خانواده‌هایشان از هم پاشیده و نوعی بدگمانی و سوء برداشت از رفتارهای یکدیگر، آرامش نسبی آن‌ها را برهم زده است.

مشکلات پیش‌آمده به این خاطر است که بافت فرهنگی جوامع اسلامی به‌گونه‌ای است که بیشتر بانوان استقلال اقتصادی ندارند. بنابراین وابسته‌اند و فرمان‌بردار. زمانی که در غرب پناهنده می‌شوند، زنان به نحوی از استقلال مالی برخوردار می‌شوند و دیگر آن نوع فرمان‌برداری گذشته را از خانواده‌اش ندارند؛ لذا همسران و خانواده‌هایی که نمی‌توانند چشم‌هایشان را بشویند و جور دیگر بنگرند، این کار را نوعی از سربیزی و بی‌احترامی و حتی الینه شدن تلقی می‌کنند و کاسه صبرشان سر می‌رود و دست به خشونت یا جدایی می‌زنند. همچنین او مشکلات راه‌های قاچاق و سوء استفاده‌های مختلف از پناه‌جویان، عقده‌های جنسی و سکس، بیگانگی با فرهنگ غرب و نوع کبیس و پذیرش، تربیت فرزندان، الیناسیون، بحران هویت فرهنگی و مسائل مرتبط دیگر پناه‌جویان را بررسی نیز کرده است.

نام کتاب: در کشور خداداد افغانستان، سفرنامه افسر اتریشی، افغانستان در سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۲۰
 نویسنده: ایمیل ریپچکا
 برگردان به فارسی: رتیبیل شامل آهنگ و سید روح‌الله یاسر
 ویراستار: حسین حیدریگی
 صفحه‌آرایی و طرح جلد: هادی مروج
 ناشر: انتشارات بنیاد اندیشه، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۶ خورشیدی، کابل
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 بها: ۳۵۰ افغانی



این کتاب در واقع سفرنامه تاریخی ایمیل ریپچکا سرباز اتریشی است که در جنگ جهانی اول به حمایت از آلمان در برابر نیروهای شوروی سابق می‌جنگیده است. او با شماری از یارانش در جریان جنگ به دست مبارزان شوروی دستگیر شده است و به ترکستان شوروی زندانی گردیده است. سپس او با دو تن از یارانش موفق به فرار شده‌اند و با تحمل سختی‌های فراوان از راه دشت‌های قره‌قوم ترکمنستان رهسپار آمو دریا شده‌اند.

هرچند او نوشته است که درباره افغانستان چیزی نمی‌دانستیم؛ اما پیش‌تر شماری از دوستانمان به آنجا فرار کرده بودند و سپس راهی کشور اتریش شده بودند؛ بنابراین آن‌ها نیز می‌خواستند که از راه کابل رهسپار کشور خودشان شوند و دوباره به مبارزاتشان ادامه دهند. ایمیل ریپچکا جریان زندانی شدن و فرار کردنش را به افغانستان و سپس گرفتاری‌اش را به دست سربازان افغانستان، ملاقات با امیر حبیب‌الله خان حاکم وقت این کشور و دوستی‌اش را با امان‌الله خان و دیگر شخصیت‌های بانفوذ دربار، چگونگی چهار سال انتظار در مهمانخانه امیر و حتی در بازداشتگاه کابل و به دستور امیر آموزش سربازان افغانستان و سیروسفرهایش به جاهای تاریخی بلخ، غزنی، بامیان، کندهار، هرات و... را با دوربین عکاسی‌اش ثبت و ضبط کرده است. او اتفاقات مهم تاریخی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی افغانستان را از سال ۱۹۱۵-۱۹۲۰ در سفرنامه‌اش نگاشته است؛ بنابراین این سفرنامه بخشی از موضوعات تاریخی افغانستان را که نمی‌توان آن‌ها را در منابع دیگر دریافت، بازتاب داده است. به‌ویژه چگونگی کشمکش‌های لابی‌گران انگلیس، شوروی و آلمان برای همسو کردن ذهنیت‌های حاکمان افغانستان با خودشان، در این متن‌ها انعکاس یافته است.

این کتاب را انتشارات بنیاد اندیشه در ۱۸ فصل و ۳۳۲ صفحه با عنوان‌های فرار از سمرقند به افغانستان، آزادی‌ای که آزادی نبود، حرکت به سوی کابل از مسیر گذرگاه‌های پرخم و پیچ هندوکش، در خدمت وطن، هیجان‌های ماه رمضان، خیانت و تبعید، آزادی‌ای که من تصور آن را دارم، دوستان بلندپایه در روزهای بد، قتل امیر حبیب‌الله خان و آغاز رقابت‌ها بر سر تخت‌نشینی، جنگ در مقابل انگلستان، خداحافظی، بازدید از اماکن مقدس و تاریخی، عبور از دشت‌های شمال افغانستان، نزد دوستان والی هرات، عبور از ۱۰۰ گذرگاه هزاره‌جات، برای آخرین بار در کابل، ۱۵۰۰ کیلومتر دیگر در راه‌های جنوب و به سوی وطن چاپ و نشر کرده است.



نام کتاب: تأملی در شاهنامه
مؤلف: پوهاند داکتر سید اکرام‌الدین حصاریان
ویراستار: شاهپور عنایت
صفحه‌آرا: عنایت‌الله یوسف‌زاد
ناشر: انتشارات یوسف‌زاد، بهار ۱۳۹۶ خورشیدی، کابل
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
بها: ۱۶۰ افغانی

«تأملی در شاهنامه» یکی از آثار پژوهشی پوهاند داکتر سید اکرام‌الدین حصاریان استاد بخش فارسی دری دانشگاه کابل است که در بهار سال ۱۳۹۶ خورشیدی با تیراژ ۱۰۰۰ نسخه در ۲۰۲ صفحه از سوی انتشارات یوسف‌زاد در شهر کابل به چاپ رسیده است. این کتاب حاصل پژوهش‌های چندین ساله و تجربه‌های فراوان داکتر حصاریان در تدریس زبان و ادبیات فارسی دری است که دربرگیرنده موضوعاتی در شناخت بیشتر شاهنامه، فردوسی توسی، خرد، داد، اندرزها در شاهنامه، ارزش ادبی و هنری شاهنامه، ترجمه شاهنامه به زبان‌های دیگر و از جمله ترجمه آن به زبان پشتو و برخی از مسائل مرتبط دیگر است که ایشان در پایان هر بحث به ارائه نظر و برداشت‌های شخصی خود نیز پرداخته است. در نهایت نتیجه‌گیری‌های هدفمندانه ملی را از آن‌ها بیرون داده است که می‌تواند منبعی مناسب برای پژوهندگان دیگر باشد.



نام کتاب: پدر شعر جهان (گزیده شعر)
شاعر: عقیف باختری
ویراستار: ظاهر شکوهمند
صفحه‌آرای و طرح جلد: علی یعقوبی
ناشر: انتشارات امیری، چاپ نخست، بهار ۱۳۹۶ خورشیدی، کابل
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
بها: ۸۰ افغانی

این مجموعه شعر که در برگیرنده ۶۳ صفحه با ۳۳ پارچه شعر است، بیشتر آن‌ها در قالب غزل سروده شده است. دو نمونه چهارپاره و نیمایی نیز در پایان آن، نشان‌دهنده توانایی و مهارت شاعر در طبع‌آزمایی او در قالب‌های گوناگون شعری است. شادروان عقیف باختری در زمان حیات خویش به انتشارات امیری سفارش کرده بوده است تا این مجموعه چاپ و نشر شود؛ اما متأسفانه ناگهان شعر جهان یتیم شد و این مجموعه پس از مرگ پدر شعر جهان منتشر گردید.

از چه خود را پدر شعر جهان پندارم
من که زن دارم و بابای دو سه فرزندم
عقیف که در زندگی‌اش همیشه مانند عقابی بلندپرواز از آن بالا‌های آبی آسمان با نگاه انتقادی به پلشتی‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی می‌نگریست. او از من اجتماعی روایت می‌کرد. وی ناگهان با همان کلاه همیشگی‌اش مسافر قطاری بی‌بازگشت شد و رفت، «قطاری که با زوزه‌ای توقف کرد و غروب منتظر و خسته را تعارف.» به گفته خودش:

بده شراب که من طالعم همین بوده
تلو تلو بخورم قسمت سسلیاهم را
من آن قطار غریبم که ترک خواهم گفت
درست یک دو نفس بعد، ایستگاهم را
تمام سهم من از آسمان کلاهی بود
که باد برد، ندیدم دگر کلاهم را

عقیف باختری در این مجموعه، با مسائل بیشتر با رویکرد عاطفی - اجتماعی برخورد کرده است. نگاه انتقادی و در برخی موارد عاشقانه او را می‌توان در لابه‌لای این شعرها به روشنی دید. از سوی دیگر به‌کارگیری واژه‌های محلی با ارائه تصویب‌های زیبا و گیرا، نوعی بومی‌گرایی و رفتار نوستالژیک او را نسبت به این کهن بوم بلخ باستان نشان می‌دهد. او مخاطبان‌ش را به نیک‌رفتاری، نیک‌گفتاری و نیک‌کرداری که از اصول نیاکانش بوده است، فرامی‌خواند و آن‌ها را به مهرورزی و آزاد زیستن ترغیب می‌کند.

روان این شاعر فرهیخته مینوی باد!